

مقبولیت حج با حضور امام معصوم توجیه پذیر می شود

در توجیه حضور همه ساله امام زمان(ع) در مراسم حج باید گفت، که اصلاً مقبولیت حج با حضور امام معصوم توجیه پذیر می شود...



در توجیه حضور همه ساله امام زمان(ع) در مراسم حج باید گفت، که اصلاً مقبولیت حج با حضور امام معصوم توجیه پذیر می شود و نیز امام زمان(ع) با حضور خویش در واقع رهبریت حج را به عهده گرفته و با هدایت و رهبری ایشان است که حج مردم مورد قبول خدا قرار می گیرد، از این رو لازم است مردم قبل از هر چیز، رهبر و امیرالحاج را به خوبی بشناسند تا با معرفت و شناخت کامل در راستای حج مقبول و خدایسند قدم بردارند.

به گزارش خبرگزاری مهر، مطلب زیر یادداشتی است از حجت الاسلام والمسلمین الهی نژاد، عضو هیئت علمی پژوهشگاه مهدویت و آینده پژوهی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی که در این یادداشت به بررسی مسئله حضور امام زمان(ع) در حج پرداخته است.

وجود مبارک حضرت بقیة الله حجة بن الحسن(ع) هر سال در مراسم حج و به ویژه در عرفات و منا حضور دارد و در این خصوص، روایات فراوانی داریم که در ذیل به برخی از آنها اشاره می شود:

چنانکه امام صادق(ع) در این زمینه می فرماید: «یَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ؛ يَشْهَدُ الْمَوْسِمُ فَيَرَاهُمْ وَلَا يَرُونَهُ» [1]. مردم امامشان را نیابند، او در موسم حج حاضر باشد و مردم را می بیند اما آنها او را نمی بینند. باز امام صادق(ع) می فرماید: إِنْ لِقَائِهِمْ غَيْبَتَيْنِ يَرْجِعُ فِي إِحْدَاهُمَا وَ فِي الْأُخْرَى لَا يَذَرُ أَئِنَّ هُوَ يَشْهَدُ الْمَوْاسِمَ يَرَى النَّاسَ وَ لَا يَرُونَهُ [2]. قائم را دو غیبت است، در یکی از آنها برمی گردد و در دیگری معلوم نمی شود کجاست. در موقع حج حضور می یابد و مردم را می بیند ولی کسی او را نمی بیند. همچنین نایب خاص امام زمان(ع)، محمد بن عثمان عمري(رضوان الله تعالی علیه) می گوید: «والله إن صاحب هذا الأمر ليحضر الموسم كل سنة، يرى الناس ويعرفهم ويرونه ولا يعرفونه» [3]. به خدا قسم، صاحب الأمر همه ساله در موسم حج حاضر می شود و مردم را می بیند و می شناسد و مردم نیز او را می بینند اما نمی شناسند.

آری در توجیه حضور همه ساله امام زمان(ع) در مراسم حج باید گفت، که اصلاً مقبولیت حج با حضور امام معصوم توجیه پذیر می شود و نیز امام زمان(ع) با حضور خویش در واقع رهبریت حج را به عهده گرفته و با هدایت و رهبری ایشان است که حج مردم مورد قبول خدا قرار می گیرد، از این رو لازم است مردم قبل از هر چیز، رهبر و امیرالحاج را به خوبی بشناسند تا با معرفت و شناخت کامل در راستای حج مقبول و خدا پسند قدم بردارند.

باز در این خصوص، جعفر حمیری از محمد بن عثمان، پرسشی مطرح کرده است: أَرَأَيْتَ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ فَقَالَ نَعَمْ وَ آخِرُ عَهْدِي بِهِ عَبْدُ بَيْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ أَنْجِزْ لِي مَا وَعَدْتَنِي [4]. آیا صاحب الأمر را دیدی؟ گفت: آری و آخرین دیدار نزد بیت الله الحرام بود و می گفت: بار الها! آنچه به من وعده فرموده ای برآور. باز در روایت دیگر حمیری می گوید از نایب دوم شنیدم که می گفت: رَأَيْتُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ مُتَعَلِّقًا بِأَسْتَارِ الْكُعْبَةِ فِي الْمُسْتَجَارِ وَ هُوَ يَقُولُ اللَّهُمَّ اانْتَقِمْ لِي مِنْ أَغْدَائِي [5]. امام مهدی(ع) را دیدم که در مستجار به پرده های کعبه آویخته بود و می گفت: بار الها! از دشمنان من انتقام بگیر.

قال عَبْدُ اللَّهِ بْنُ صَالِحٍ أَنَّهُ رَأَاهُ عِنْدَ الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ وَ النَّاسُ يَتَجَادُّونَ عَلَيْهِ وَ هُوَ يَقُولُ مَا بِهِذَا أَمْرُوا [6] عبد الله بن صالح گوید که خود او آن حضرت را نزد حجر الاسود دید و مردم (برای بوسیدن حجر) نزاع و کشمکش داشتند و آن حضرت می فرمود: باین وضع مأمور نشده اند (بلکه اگر بوسیدن بدون مزاحمت ممکن شد باید ببوسند و گر نه باشاره با دست اکتفا کنند).

«همچنین باید گفته شود که بسیاری از تربیت یافتگان و شاگردان خاص آن حضرت در میان حج گزاران حضور دارند و به مدد عنایت خاص حضرتش از ملکوت افراد آگاهی می یابند و به آنها کمک می رسانند. شایان ذکر اینکه، اگرچه ممکن است مشکلات برخی زائران، ناخودآگاه به برکت امام زمان(عج) حل شود، لیکن چنین نیست که هر عمل خارق عادت و کرامتی که در ایام حج و در سرزمین منا و عرفات روی داد، مستقیماً به دست وجود مبارک آن حضرت انجام گیرد. ممکن است ناآشنا یا سالمندی راه خیمه و چادر خود را گم کند یا در بین راه بدون زاد و راحله بماند و ولی از اولیای الهی که تربیت شده مکتب ولایت ولی عصر(ع) است او را راهنمایی کند. پس این شخص گرفتار، معالواسطه خدمت آن حضرت رسیده است، نه بلاواسطه. تشرّف مستقیم و بی واسطه به محضر نورانی امام زمان(ع) لیاقت و شایستگی های ویژه ای می طلبد. از این رو تنها اوحدی از موحدان توفیق می یابند که وجود مبارک آن حضرت شخصاً به بالین او بیاید. البته عنایت ایشان شامل اولیا و صالحان و شهیدانی که تربیت کرده است، شده و آنان به دستور آن حضرت مشکلات دیگران را حل می کنند» [7].

در نقلی صدوق از قول اودی چنین می‌گوید: هنگامی که در طواف بودم، در شوط هفتم متوجه شدم که در طرف راست کعبه گروهی اجتماع کرده اند و جوان خوش صورت و خوش بوئی که آثار هیبت و عظمت از چهره اش نمودار بود با زبان شیرینی برای مردم سخن می‌گفت، من به طرف او رفتم تا با وی حرف بزنم، مردم مرا از نزدیک شدن به طرف او منع کردند، پرسیدم: این کیست؟ گفتند: این فرزند حضرت رسول(صلی الله علیه و آله) می‌باشد که در هر سال یک روز برای مردم ظاهر می‌گردد و با خواص خود سخن می‌گوید. عرض کردم ای آقای من آمده ام تا مرا هدایت کنید، او سنگ ریزه ای به من داد و من دیدم یک تکه طلا است، من به طرف او رفتم و سپس از من پرسید حجت بر تو ثابت شد و حق را درک کردی و بصیرت یافتی، مرا میشناسی؟ گفتم: نمیشناسم. فرمود: من مهدی و قائم زمان هستم، من زمین را پس از جور و ستم از عدل و داد پر خواهم کرد، زمین هرگز از حجت خالی نمی‌شود و مردم در فترت نمی‌مانند و این موضوع در دست تو امانت است به برادرانت که از اهل حق هستند برسان[8]

«ابو نعیم انصاری زیدی گوید من در مکه بودم و با جمعی از مقصره که محمودی و علائی کلینی و ابو هاشم دیناری و ابو جعفر احول همدانی در حدود سی مرد بودند در نزد مستجار کنار خانه کعبه نشسته بودیم؛ در میان این جمع بنظر من جز محمد بن قاسم عقلی مخلص موجود نداشت، در این میان که روز ششم ذی حجه سال دویست و نود و سه از هجرت انجمن کرده بودیم به ناگاه از صف طواف جوانی نزد ما بیرون آمد که در دو ازار محرم بود و نعلین در دست داشت چون چشم ما بدو افتاد از هیبت او همه از جا برخاستیم و احترام کردیم و کسی از ما نبود که بپا نایستاد و باو سلام نداد، او در میان ما نشست و براست و چپ نگریم و فرمود شما میدانید که ابو عبد الله امام ششم در دعای الحاح چه می‌گفت؟ گفتیم چه می‌گفت؟ فرمود می‌گفت: بار خدایا من از تو خواهش دارم بدان نام تو که آسمان بدان برپا است و زمین بدان بر جا است و بدان حق را از باطل جدا کنی و بدان جداها را گرد آوری و گرد شده را پریشان سازی و بدان ریگها را بشماری و کوهها را بسنجی و دریا را پیمانه گیری که بر محمد و خاندانش رحمت فرستی و در هر کارم به من فرج و گشایش بدهی سپس برخاست بطواف رفت و ما همه باحترامش بپا ایستادیم تا برگشت و فراموش کردیم پرسیم تو کیستی؟

چون فردا همین وقت شد باز از صف طواف جدا شد و نزد ما آمد و چون روز گذشته به احترام او برپا ایستادیم و باز در میان ما نشست و به راست و چپ نگریم و فرمود آیا می‌دانید امیرالمؤمنین(ع) پس از نماز فریضه چه می‌گفت؟ عرض کردیم چه می‌گفت؟ فرمود می‌گفت: بار خدایا آوازه‌ها به سوی تو بلند و صورتها بر آستان تو به خاک است و گردنها برای تو فرود است محاکمه اعمال با توست، ای بهترین سؤال شده و بهترین عطا بخش. ای راستگو، ای آفریننده، ای کسی که دستور دعا دادی و ضامن اجابت شدی، ای کسی که فرمودی مرا بخوانید تا پاسخگویم، ای کسی که فرمودی چون بندگانم مرا بخوانند من نزدیک و جوابگویم. دعای خواننده را چون مرا بخواند و بایست از من جواب خواهند و به من معتقد باشند تا شاید رهبری شوند، ای کسی که گفתי ای بندگان من که اسراف و خلاف کردید خودتان از رحمت خدا نومید مباشید. به درستی که خدا همه گناهان را می‌آمرزد به درستی که او آمرزنده و مهربان است.

سپس بعد از ذکر این دعا به راست و چپ نگریم و فرمود می‌دانید امیرالمؤمنین(ع) در سجد شکر چه می‌فرمود؟ عرض کردیم چه می‌فرمود؟ فرمود عادت داشت که می‌گفت: ای کسی که اصرار اصرارکننده‌ها جز جود و کرم او نیفزاید، ای کسی که خزینه‌های آسمانها و زمین از آن اوست، ای کسی که خزینه هر کم و بیش از اوست. بد کرداری من تو را از خوش رفتاری با من باز ندارد. من از تو خواهش دارم که با من چنان کنی که شایسته توست تو اهل جود و کرم و گذشتی پروردگارا خدایا با من آن کن که شایسته آتی تو بر کیفر توانایی و من در خور آنم نه در برابر دفاعی دارم و نه پوزشی، من از گناهانم بیزارم و رو بسوی تو دارم. من به گناهان خود اعتراف می‌کنم تا از من درگذری. تو بهتر از من آنها را میدانی به حضرت تو برگشتم از هر خطائی که کردم. از هر بدی که نمودم پروردگارا مرا بیامرز. به من مهربانی کن و از آنچه میدانی در گذر زیرا تو عزیزتر و کریمتری و برخاست و به طواف رفت و ما هم به احترام او برخاستیم. باز فردا همین وقت برگشت و ما هم چو نگذشته به پیشواز او بپاخاستیم و در میان ما نشست و براست و چپ نگریم و فرمود علی بن الحسین (امام چهارم) را شیوه این بود که در اینجا (با دست خود اشاره به حجر و زیر میزاب طلا کرد) به سجده میرفت و می‌گفت: کوچک بنده ات در آستان توست. مستمندت بر آستانه توست. از تو خواهشی دارد که جز تو بر آن توانایی ندارد، سپس به راست و چپ نگریم و رو به محمد بن قاسم علوی کرد و فرمود: ای محمد بن قاسم تو عاقبت بخیری ان شاء الله و برخاست و به طواف رفت. همه ماها آنچه از دعا به ما آموخت یاد گرفتیم و همه فراموش کردیم که از حال او یادآور شویم تا روز آخر اقامت در مکه روز آخر محمودی بماها رو کرد و گفت شناختید این جوان را؟ گفتیم نه گفت به خدا این صاحب الزمان بود، گفتیم ای ابو علی از کجا می‌گوئی؟ گفت من هفت سال است که از درگاه خدا خواهش داشتم که صاحب الزمان را بمن به نماید، گوید یک شب عرفه بود که همین جوان را به عینه دیدم که دعای شب عرفه را می‌خواند از او پرسیدم از چه مردمی هستی؟ گفت از این مردم. از کدام قسم مردم از عرب یا از موالی؟ از مردم عرب. از کدام تیره عربها؟ از شریفترین و بزرگوارترین آنان. شریفترین و بزرگوارترین آنان کیانند؟ بنو هاشم. از کدام خاندان بنی هاشم؟ از صاحب برترین مقام و بلندترین درجه آنها. کدام خاندان بنی هاشمند؟ آنان که سرها را شکافتند و مردم را اطعام کردند و در دل شب که مردم بخوابند نماز گزارند. من دانستم که او علوی نژاد است و او را برای آنکه از نژاد علی است دوست داشتم ولی یک باره از نظرم پنهان شد و ندانستم به آسمان بالا رفت یا به زمین فرو شد، از آن مردمی که اطرافش بودند پرسیدم شما این علوی را می‌شناسید؟ آری او هر سال با ما پیاده به مکه می‌آید، گفتم سبحان الله به خدا من در او اثر

پیاده روی ندیدم سپس از عرفه با دلی از فراقش پر غم و سینه پر هم به مزدلفه برگشتم و در آنجا خوابیدم و در خواب رسول خدا(ص) را دیدم و به من فرمود ای محمد مقصود خود را دیدی عرض کردم ای آقای من کدام بود؟ فرمود آن را که در سر شب دیدی صاحب الزمان شما بود.»[9]

«آری وجود مبارک حضرت بقیة الله، حجة بن الحسن - عجل الله تعالی فرجه الشریف - هر سال در مراسم حج حضور دارد [10]، در عرفات و منا حاضر است. همچنین بسیاری از شاگردان خاصش مانند ابوبصیرها، سدید صیرفی ها و زهری ها و... که تربیت شده او هستند در مراسم حضور دارند. حضرت(عج) می تواند به شاگردان خود از راه ملکوت بفهماند که چه کسی انسان است و چه کسی حیوان. ممکن است کسی در سرزمین عرفات و منا به وجود مبارک بقیة الله الاعظم دعا هم بکند و دعای فرج را هم بخواند اما قلب او قلب انسان نباشد. ممکن است کسی مشکلی داشته باشد و مشکلیش ناخودآگاه به برکت حضرت حجت - سلام الله علیه - حل شود اما چنین نیست که اگر عملی خارق عادت در حج یا در منا و عرفات پیدا شد، مستقیماً توسط وجود مبارک حضرت حجت باشد. احتمال دارد، وجود حضرت باشند و احتمال دارد اولیایی که دست پرورده آن حضرت هستند باشند. ممکن است سالمندی، زن یا مرد و یا نا واردی راه خیمه و چادر را گم کند یا در بین راه بدون زاد و راحله بماند و ولی از اولیای الهی که تربیت شده مکتب ولایت امام عصر - ارواحنا فداه - است او را راهنمایی کند. گرچه این شخص مع الواسطه خدمت حضرت حجت رسیده است اما بلاواسطه نبوده است. چنین نیست که هر اثر غیبی در مراسم حج مستقیماً مربوط به وجود مقدس حضرت ولی عصر - ارواحنا فداه - باشد. خیلی توفیق می خواهد و چنین تشریفی برای اوجدی از موحدان پیش می آید که وجود مبارک حضرت - سلام الله علیه - شخصا به بالین او بیاید. البته عنایت ایشان شامل اولیا و شاگردان و صالحین و صدیقین و شهدایی را که تربیت کرده است، می شود. آنها مأموران ایشان هستند و به دستور ایشان مشکلات دیگران را حل می کنند و خلاصه اینکه وجود مقدس حضرت و دست پروردگان ایشان، باطن ما را می بینند»[11].

پی نوشتها:

[1]. کلینی، محمد، کافی، ج1، ص337

[2]. نعمانی، محمد، الغیبه، ص176

[3]. صدوق، محمد، من لایحضره الفقیه، ج2، ص520

[4]. صدوق، محمد، کمال الدین، ج2، ص441

[5]. صدوق، محمد، کمال الدین، ج2، ص441

[6]. کلینی، محمد، کافی، ج1، ص331

[7]. جوادی آملی، عبدالله، صهبای حج، ص434

[8]. قَالَ بَيْنَا أَنَا فِي الطَّوَافِ وَقَدْ طُقْتُ سِتًّا وَ أُرِيدُ السَّابِعَ إِذَا بِحَلَقَةٍ عَنْ يَمِينِ الْكَعْبَةِ وَ شَابٌ حَسَنُ الْوَجْهِ طَيِّبُ الرَّائِحَةِ هَيُوبٌ مَعَ هَيْئَتِهِ مُتَقَرَّبٌ إِلَى النَّاسِ يَتَكَلَّمُ فَلَمْ أَرِ أَحْسَنَ مِنْ كَلَامِهِ وَ لَا أَعْدَبَ مِنْ مَنَاطِقِهِ فِي حُسْنِ جُلُوسِهِ فَذَهَبْتُ أَكَلِمُهُ فَرَبَّرَنِي النَّاسُ فَسَأَلْتُ بَعْضَهُمْ مَنْ هَذَا فَقَالُوا هَذَا ابْنُ رَسُولِ اللَّهِ يَظْهَرُ لِلنَّاسِ فِي كُلِّ سَنَةٍ يَوْمًا لِحَوَاصِهِ يُحَدِّثُهُمْ فَقُلْتُ سَيِّدِي مُسْتَرَشِدًا أَتَاكَ فَأَرْشِدُنِي فَتَاوَلَنِي حَصَاةً وَ كَشَفْتُ يَدِي عَنْهَا إِذَا بِسَيِّكَةِ ذَهَبٍ فَذَهَبْتُ إِذَا أَنَا بِهِ عَ قَدْ لِحِقَنِي فَقَالَ لِي ثَبَتَتْ عَلَيْكَ الْحُجَّةُ فَظَهَرَ لَكَ الْحَقُّ وَ ذَهَبَ عَنْكَ الْعَمَى أَ تَعْرِفُنِي فَقُلْتُ لَا فَقَالَ أَنَا الْمَهْدِيُّ وَ أَنَا قَائِمُ الزَّمَانِ أَنَا الَّذِي أَمْلَأُهَا عَدْلًا كَمَا مَلَأْتُ جَوْرًا إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ وَ لَا تَبْقَى النَّاسُ فِي فِتْرَةٍ وَ هَذِهِ أَمَانَةٌ فَحَدِّثْ بِهَا إِخْوَانَكَ مِنْ أَهْلِ الْحَقِّ ، طبرسي، إعلام الوری بأعلام الهدی، ص450

[9]. صدوق، محمد، کمال الدین، ج2، ص470

[10]. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج52، ص151

[11]. جوادی آملی، عبدالله، عرفان حج، 37